

نگرشی نو به تأثیر کیفی خانواده بر بزهکاری

جلد دوم

مؤلفان:

روح الله شفیعی

پرسنل قوه قضائیه

سهرارد نفاریون اصفهانی

رئیس دادگستری

عبدالرضا محمدی و محمد علی جنترانی

وکلاء دادگستری

صادق شفیعی (۵ ماهه)

روان شناس و مدیرعامل موسسه مطالعاتی تحقیقاتی نسیم اندیشه صبح



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه : شفیعی، روح‌الله،
عنوان و نام پدیدآور : نگرشی نو به تاثیر کیفی خانواده بر بزهکاری: بانضمام ضمیمه فرزندپروری و بزهکاری/
مولفان شهریار غفاریون اصفهانی، روح‌الله شفیعی؛ با مقدمه همایون شفیعی؛ ویراستار محبوبه صفدری.
مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۵ -

فروست : مجلد: ۹۶۵.
شابک : ج. ۱: ۴-۶۷۸-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۱-۸۸۰-۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فایا
موضوع : جرم‌شناسی -- جنبه‌های اجتماعی
Criminology -- Social aspects : موضوع
خانواده‌ها -- جنبه‌های روانشناسی
Families -- Psychological aspects : موضوع
انحراف اجتماعی -- علل
Deviant behavior -- Causes : موضوع
شناسه خزوده : غفاریون اصفهانی، شهریار،
شناسه افزوده : شفیعی، همایون، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره : HV ۶۰۲۶/ف۲، ۵۷ ۱۳ :
رده بندی دیویی : ۶۴ :
شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۹۴ ۳

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب، بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخطی، راه‌دور دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

نگرشی نو به تاثیر کیفی خانواده بر بزهکاری (جلد دوم)

روح‌الله شفیعی / شهریار غفاریون اصفهانی، عبدالرضا محمدی و محمد علی جنترانی /

صادق شفیعی (همایون)

ویراستار: مرضیه حسینی

انتشارات مجد

چاپ اول : ۱۳۹۷ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۸۸۰-۱

ISBN: 978-600-193-880-1

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۱۳۳۸۶

فروشگاه مرکزی: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.com

E-mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۲۷	مقدمه مؤلفان
۴۱	بخش اول: خانواده درمانی
۴۱	فصل اول: چیستی خانواده درمانی
۴۲	مبحث اول: ثمر بخش بودن خانواده درمانی
۴۶	مبحث دوم: درمان اختلال
۴۹	مبحث سوم: برنامه‌های خانواده درمانی پیشگیری از بزهکاری زود هنگام
۵۰	گفتار اول: برنامه مبتنی بر آموزش والدین
۵۰	گفتار دوم: ملاقات‌های خانگی
۵۱	گفتار سوم: مبتنی بر خدمات مراقبتی روزانه
۵۲	گفتار چهارم: برنامه‌های خانواده درمانی
۶۹	فصل دوم: چشم‌اندازهای خانواده درمانی
۷۰	مبحث اول: ویژگی‌های نظام خانوادگی
۷۱	مبحث دوم: قواعد خانواده
۷۴	گفتار اول: تعادل ساختی و ساختارهای
۷۵	گفتار دوم: نظامهای باز و بسته
۷۷	مبحث سوم: خانواده و نظامهای بزرگتر
۸۱	مبحث چهارم: ساختار خانواده
۸۳	مبحث پنجم: تحولات خانواده
۸۴	مبحث ششم: چهارچوب مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی
۸۷	گفتار اول: فرد و رشد خانواده
۸۹	گفتار دوم: رشد چرخه‌ی زندگی فردی
۹۱	گفتار سوم: شد زندگی خانواده
۹۳	گفتار چهارم: وحدت بخشی چرخه‌های زندگی خانواده و فرد
۹۷	مبحث هفتم: کودکان با نیازهای ویژه و چرخه‌ی خانواده
۱۰۰	مبحث هشتم: انتقال‌های خانوادگی و رفتار نشانه‌دار (بیمارگون)
۱۰۲	مبحث نهم: توالی رشد و تحول در سایر خانواده‌ها
۱۰۷	فصل سوم: روان درمانی خانواده‌های سالم و نا بهنجار
۱۱۴	مبحث اول: ویژگی‌های خانواده‌ی سالم
۱۱۵	گفتار اول: تعهد
۱۱۹	گفتار دوم: میل به گذراندن وقت با یکدیگر

۱۱۹.....	گفتار سوم: الگوهای ارتباطی مؤثر
۱۲۳.....	گفتار چهارم: ایجاد همدلی و همدردی
۱۲۴.....	گفتار پنجم: شنونده خوبی بودن
۱۲۵.....	گفتار ششم: مخالفت کردن با استفاده از روش خلع سلاح
۱۲۵.....	گفتار هفتم: احترام گذاشتن
۱۲۷.....	مبحث دوم: ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده
۱۲۸.....	گفتار اول: جهت گیری گفت، شنود و همنوایی
۱۲۹.....	گفتار دوم: جهت گیری دینی / معنوی
۱۳۷.....	مبحث سوم: انواع الگوهای ارتباطی خانواده
۱۳۸.....	گفتار اول: خانواده‌های توافق کننده
۱۳۸.....	گفتار دوم: خانواده‌های کثرت گرا
۱۳۸.....	گفتار سوم: خانواده‌های محافظت کننده
۱۳۹.....	گفتار چهارم: خانواده‌های بی قید
۱۴۰.....	مبحث چهارم: الگوهای رشد و ساختارهای رشد دهنده
۱۴۰.....	گفتار اول: عوامل ساززای زندگی خانوادگی
۱۴۲.....	گفتار دوم: عوامل ساززای قابل انتظار
۱۴۳.....	گفتار سوم: عوامل فسارزای غیر منتظره
۱۴۶.....	مبحث پنجم: ساختار و عملکرد خانواده
۱۴۶.....	گفتار اول: خانواده‌های متقارن / نامتقارن
۱۴۷.....	گفتار دوم: خانواده‌های مرکز گرا / مرکز گریز
۱۵۰.....	گفتار سوم: انسجام / انطباق پذیری
۱۵۳.....	مبحث ششم: آسیب شناسی خانواده
۱۵۵.....	گفتار اول: اختلال تحولی خانواده
۱۵۹.....	گفتار دوم: اختلال سازگاری اعضاء و ثبات خانواده
۱۶۴.....	گفتار سوم: اختلال در زیر منظومه‌های خانواده
۱۶۸.....	گفتار چهارم: اختلال در زیر منظومه والد - فرزند
۱۶۹.....	گفتار پنجم: خانواده قانون شکن
۱۶۹.....	گفتار ششم: خانواده دارای جو خاص
۱۷۹.....	مبحث هفتم: تلویحات سلامت بر کار با خانواده‌ها
۱۸۲.....	خانواده‌های تک والدی و آمیخته
۱۹۹.....	بخش دوم: خانواده درمانی مشکلات و اختلال سلوک کودکان (بزهکاری)
۱۹۹.....	پیشگفتار بخش دوم
۲۰۹.....	مقدمه بخش دوم
۲۳۴.....	فصل چهارم: مشکلات سلوکی در چرخه‌ی خانواده

مبحث اول: اختلال سلوک و نزاع طلبی مقابله‌ای، پرخاشگری، دزدی، دروغ‌گویی	
و بزهکاری	۲۵۹
گفتار اول: پرخاشگری	۲۶۲
گفتار دوم: دزدی	۲۶۲
گفتار سوم: دروغ‌گویی	۲۶۳
گفتار چهارم: بزهکاری دوره‌ی کودکی	۲۶۴
مبحث دوم: خود سری و نافرمانی کودک و علل آن	۲۶۵
مبحث سوم: قابل توجه بودن درمان	۲۶۸
مبحث چهارم: مبنای درمان خودسری / نافرمانی	۲۷۱
مبحث پنجم: جنبه‌های مهم تعاملات نابهنجار و الدین - کودک	۲۸۱
مبحث ششم: علل خودسری / نافرمانی در کودکان	۲۸۸
گفتار اول: ویژگی‌های کودک	۲۸۹
گفتار دوم: ویژگی‌های والدین	۲۹۰
گفتار سوم: عوامل زمینه‌ای	۲۹۱
گفتار چهارم: بزرگ‌راه‌های خانواده‌ها	۲۹۳
گفتار پنجم: عوامل اجتماعی	۲۹۵
مبحث هفتم: طبقه‌بندی ابعاد	۲۹۵
گفتار اول: همزمانی اختلالات	۲۹۹
گفتار دوم: ماندگاری	۳۰۰
مبحث هشتم: سبب‌شناسی	۳۰۵
گفتار اول: عوامل زیست‌شناختی	۳۰۷
گفتار دوم: تفاوت‌های جنسیتی	۳۰۸
گفتار سوم: عوامل دوران جنینی و دشواری‌های تولد	۳۱۰
گفتار چهارم: عوامل عصبی - زیستی	۳۱۱
گفتار پنجم: عوامل شناختی	۳۱۳
گفتار ششم: عوامل خانوادگی	۳۱۴
گفتار هفتم: عوامل اجتماعی - اقتصادی	۳۲۱
گفتار هشتم: نظریه تهدید و اجبار	۳۲۳
گفتار نهم: نظریه بی‌ثباتی خانوادگی و تنیدگی	۳۲۴
گفتار دهم: نظریه والدین مجرم و دارای آسیب روانی	۳۲۵
گفتار یازدهم: محله و مدرسه	۳۲۵
گفتار دوازدهم: عوامل محیطی	۳۲۶
گفتار سیزدهم: تأثیر رسانه‌ای	۳۲۷
مبحث نهم: چگونگی فرایندهای علی	۳۳۲

۳۳۳	گفتار اول: تحول رفتار و فرایندها در طول زمان
۳۳۳	گفتار دوم: رفتارهای اطاعت
۳۳۶	گفتار سوم: خشم و پرخاشگری
۳۳۹	مبحث دهم: مدل سیستمی اختلالات سلوکی
۳۴۲	مبحث یازدهم: تحول رفتارهای برونی سازی مشکل دار
۳۴۴	گفتار اول: آغاز کنندگان زود هنگام در برابر آغاز کنندگان با تأخیر
۳۴۷	گفتار دوم: کودکان پرخاشگر طرد شده در برابر پرخاشگر طرد نشده
۳۴۸	مبحث دوازدهم: تغییرات در ویژگی های جامعه ستیزی در طول زمان
۳۵۰	فصل پنجم: درمان مبتنی بر خانواده
۳۵۰	مبحث اول: ارزیابی و سنجش بزهکاری در خانواده
۳۵۳	گفتار اول: نظام جامع سنجش تا مداخله برای مشکلات رفتاری کودک
۳۵۷	گفتار دوم: سنجش حوزه های کلی
۳۵۹	گفتار سوم: سنجش حوزه های خاص
	گفتار چهارم: مصاحبه تشخیصی با والدین و کودک در زمینه اختلال
۳۶۹	نافرمانی - مقابله ای
۳۸۳	گفتار پنجم: بازی
۳۸۶	گفتار ششم: مدرسه
	مبحث دوم: مصاحبه تشخیصی با والدین و کودک در زمینه اختلال های
۳۹۰	همراه و بزهکاری
۴۰۲	مبحث سوم: پیشگیری از بزهکاری زود هنگام
۴۰۸	مبحث چهارم: موفق ترین برنامه پیشگیری
۴۰۹	گفتار اول: آموزش مدیریت و الدین
۴۱۰	گفتار دوم: میانجی گری در دوران کودکی و حمایت خانواده
۴۱۳	گفتار سوم: درمان کاربردی خانوادگی
۴۱۴	گفتار چهارم: آموزش اتخاذ رویکرد اجتماعی
۴۱۴	گفتار پنجم: برنامه های جامعه محور
۴۱۴	گفتار ششم: برنامه های میانجی گری فراگیری محور
۴۱۶	مبحث پنجم: پیشگیری کنشی از بزهکاری کودکان
۴۱۹	گفتار اول: پیشگیری از طریق حذف و خنثی نمودن عوامل بزه زا
۴۲۰	گفتار دوم: پیشگیری کلان
۴۲۰	گفتار سوم: پیشگیری خرد
۴۲۱	گفتار چهارم: پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت های بزه زا
۴۲۲	مبحث ششم: پیشگیری واکنشی از بزهکاری کودکان

گفتار اول: پیشگیری از طریق شناسایی کودکان مستعد بزه دیدگی حمایت و مراقبت از آنها.....	۴۲۴
گفتار دوم: پیشگیری از طریق ایمن سازی کودکان.....	۴۲۴
مبحث هفتم: مداخله نهاد آموزش در پیشگیری از بزهکاری کودکان.....	۴۲۶
گفتار اول: ماهیت و کارکرد نهاد آموزشی.....	۴۲۹
گفتار دوم: قابلیت و توانایی هم نوابی با دیگر نهادهای پیشگیری.....	۴۲۹
گفتار سوم: جهانی شدن و توسعه اقدامات نهادهای فراملی در ارتباط با آموزش.....	۴۳۰
گفتار چهارم: تدوین الگوهای آموزشی در راستای پیشگیری.....	۴۳۴
گفتار پنجم: تنظیم و اجرای برنامه های حمایتی - آموزشی.....	۴۳۵
مبحث هشتم: آموزش مهارت های زندگی واجتماعی به کودکان.....	۴۳۶
مبحث نهم: اجرای طرح های آموزشی نسبت به مربیان و معلمان.....	۴۴۴
مبحث دهم: طراحی برنامه ی مداخله ای.....	۴۴۶
مبحث یازدهم: طراحی برنامه های پیشگیرانه.....	۴۴۷
گفتار اول: برنامه ی پیشگیری کلی.....	۴۴۹
گفتار دوم: برنامه ی پیشگیرانه هدفمند.....	۴۴۹
گفتار سوم: برنامه ی پیشگیری چندبعدی.....	۴۵۲
گفتار چهارم: برنامه ی پیشگیری وایسی خانواده.....	۴۵۴
گفتار پنجم: برنامه ی پیشگیری وایسی - وبستر - استراتون و رید.....	۴۵۵
گفتار ششم: برنامه ی پیشگیری وایسی - یورنکردنی.....	۴۵۵
گفتار هفتم: برنامه ی پیشگیری وایسی سریع.....	۴۵۶
گفتار هشتم: برنامه ی پیشگیری مونترال.....	۴۶۰
گفتار نهم: برنامه ی پیشگیری پیوند دادن طریق خانوادگی و معلمان.....	۴۶۱
مبحث دوازدهم: رفتار درمانی بالینی.....	۴۶۱
مبحث سیزدهم: مداخله های رفتاری - شناختی.....	۴۶۷
مبحث چهاردهم: آموزش مهارت های حل مسئله (PSST).....	۴۷۴
مبحث پانزدهم: تکنیک های شرطی سازی کنشگر.....	۴۸۲
گفتار اول: تکنیک های تقویت.....	۴۸۳
گفتار دوم: تکنیک تنبیه.....	۴۸۸
گفتار سوم: برنامه های شرطی سازی کنش گر چند وجهی.....	۴۹۱
مبحث شانزدهم: درمان مبتنی بر والدین و خانواده (آموزش تدبیر والدین).....	۴۹۷
گفتار اول: درمان کارکردی خانواده.....	۵۰۱
گفتار دوم: درمان عاطفی مدار.....	۵۰۵
مبحث هفدهم: درمان مبتنی بر روش های تقویت مثبت.....	۵۰۹
گفتار اول: شکل دادن محیط هیجانی، رفتاری و اخلاقی در خانه.....	۵۱۰

۵۱۰.....	گفتار دوم: به عنوان یک الگو عمل کنید.....
۵۱۳.....	گفتار سوم: کتاب‌ها و فیلم‌های ویدیویی که موضوع آنها مهربانی، همکاری و توجه به دیگران است را به فرزند خود معرفی نمایید.....
۵۱۳.....	گفتار چهارم: به پدر یا مادر فرزند خود احترام بگذارید.....
۵۱۴.....	گفتار پنجم: ادب و اخلاق را به فرزند خود یاد بدهید.....
۵۱۴.....	گفتار ششم: هیچ آسیبی به ارتباط خویش با فرزند نافرمان خود وارد ننمایید.....
۵۱۴.....	مبحث هجدهم: دوره‌های آموزش اطاعت.....
۵۱۵.....	گفتار اول: هر روز بیست دقیقه را در یک «زمان خاص» با کودک خود به یک فعالیت بپردازید.....
۵۱۶.....	گفتار دوم: پاداش و مزایا.....
۵۱۷.....	گفتار سوم: جریمه برای نافرمانی، مقابله جویی و پرخاشگری.....
۵۱۹.....	مبحث نوزدهم: روش‌های خاص تنبیهی جهت کاهش نافرمانی، مقابله جویی، و پرخاشگری کودک.....
۵۱۹.....	گفتار اول: روش تنبیهی و توجه متفاوت.....
۵۲۰.....	گفتار دوم: روش «موقت کردن» (Time Out).....
۵۲۰.....	گفتار سوم: ایجاد مهارت‌های فکر کردن.....
۵۲۲.....	گفتار چهارم: باورهای غیر منطقی کودکان نافرمان.....
۵۲۸.....	مبحث بیستم: نظارت بر پیشرفت رفتار کودک.....
۵۲۸.....	گفتار اول: مشخص کردن اهداف رفتاری.....
۵۲۹.....	گفتار دوم: برنامه یادگیری مهارت‌های اولویت‌بندی.....
۵۳۶.....	مبحث ویژه: دیگر شقوق درمان.....
۵۳۷.....	مبحث بیست و یکم: شیوه‌های فرزند پروری مبتنی بر خانواده بر درمان بزهکاری کودک.....
۵۴۱.....	گفتار اول: بررسی سبک‌های فرزند پروری.....
۵۵۱.....	گفتار دوم: ابعاد شیوه‌های فرزند پروری.....
۵۵۷.....	گفتار سوم: الگوهای «باوم رنید» در مورد شیوه‌های فرزند پروری.....
۵۶۴.....	فصل ششم: تحلیل جامعه آماری.....
۶۲۷.....	ضمائم.....
۶۵۱.....	فهرست منابع.....

پیشگفتار

به دنیا آمدن ضروری است، اما ادامه‌ی آن موضوعی است به تمامی از جنس تصادف و اتفاق تاریخی. این کار حاوی دیدی مصیبت بار در ارتباط با پایان کودکی است به نحوی که آن هم شاسیم، و فروپاشی مقوله‌ی است اجتماعی که در چهارچوب و بطن آن سکنا می‌زیند. همه‌ی اینها اکنون قلمرو آگاهی بزرگسالان است، اما به چه قیمتی؟ به این ترتیب، محققان سعی در تلاقی می‌شود. دوران کودکی از تاریخی نسبتاً متأخر برخوردار است و اساساً از زمان فراگیر شدن سواد و آموزش همگانی در اذهان شکل گرفته است. در این دوره‌ی زمانی حساس، بزرگسالان به رسانه‌ی جدید چاپ پدید آمد و تمایزی قطعی بین کودک و بزرگسال برقرار کرد. این منابع از طریق مطالب نوشتاری تثبیت و سیاسی شد زیرا فراموشکاری فرهنگی سنت‌ها جاری خود را به نگاشته‌های عینی سپردند، و همگنی اجتماعی مفروض پیشین جای خود را به ارزشی ضروری ناهمگنی داده است.

رسانه‌های معاصر دوران مدرنیته‌ی متأخر کارکرد متفاوتی دارند و طبقه‌بندی‌های جا افتاده را به هم می‌ریزند. رسانه‌های جدید از طریق مفهوم خود ساخته‌ی چند تکنیکی، کندوکاو می‌کند، نوعی سلطه‌ی فرهنگی تصویری و مصور آفرینی که وی آن را به شکل فیلم و تلویزیون و اخیراً در هرزه‌نگاری‌های کاه یوتیوب و وبگردی در اینترنت می‌بیند. این قالب‌های جدید رسانه‌ها اکنون به صورت قدمه‌ای از تمایز بین کودک و بزرگسال، ناشی از یک بی‌تفاوتی نسبت به اختلاف ایجاد شده از طریق صرفه‌جویی‌ها در تولید یا انگیزش به ایجاد مقوله‌های جدید و یکنواخت مصرف کننده، تسهیل می‌برند. در نتیجه کودکی در حال از بین رفتن است. کودک، دستخوش خشونت پردامنه، تمایلات جنسی پرول، بهره‌کشی لگام گسیخته و دعوت مداوم و پیوسته به مصرف، نمی‌تواند قلمرو هستی مستقلی را حفظ کند و نگه دارد. به این ترتیب، رسانه‌های جدید این پیام را ایجاد و منتقل می‌کنند که دوران کودکی دیگر وجود نخواهد داشت. گواه نابودی و انقراض

کودکی از منابع متعدد و متنوعی به دست می‌آید. مثلاً این مدرک در خود رسانه‌ها به نمایش درآمد، زیرا رسانه‌ها نه تنها سرنگونی کودکی را در شکل و بافت خود رواج می‌دهند، بلکه زوال آن را نیز در محتوای خود منعکس می‌کنند. مدارکی دال بر تلفیق سلیقه و سبک کودکان و بزرگسالان، و همچنین در تغییر چشم اندازهای اجتماعی مربوط به نهادهایی چون قانون، مدارس، و انواع ورزش یافت می‌شوند. شواهدی بر انواع فعالیت‌های «وخیم» تصویرهایی در خصوص الکلیسم، مصرف مواد مخدر، فعالیت جنسی، جرم و جنایت و... وجود دارند که اشاره‌ای به کمرنگ‌تر شدن تمایز کودکی با بزرگسالی اند.^۱

بحث ما براساس تغییر چهره رویه و فروپاشی خانواده، یا ظهور نسبتاً سرزنش‌آمیز روش‌های تربیت فرزند و پیش‌بینی جامعه‌ی طبقه بندی شده‌ی آتی مطابق با تجربه‌ی جامعه پذیرش اعضای آن است. اما ضروری است به طور ضمنی بپذیریم که در حس از بین رفتن، یا کمرنگ شدن مرزهای به نام کودکی که لزوماً در بحث‌های جدی در مورد مصالح و حقوق کودکان، مسئولیت‌های شخصی و همگانی، استقلال یا وابستگی، توانمندسازی، حقوق شهروندی، استقلال مالی، و مجرم شناختن آنها مطرح است، شریک شویم. از بسیاری جهات می‌توان به نظر دهیم که معصومیت کودکی سرانجام به نقطه‌ی پایان خود رسیده است.

*** بحث ویژه:** در سال ۱۹۹۳ در بریتانیا است که از طریق قتل بی‌رحمانه‌ی کودکی به دست دو کودک دیگر، این پیشگویی پیامبرانه به واقعیت پیوست. جمیز بلگر که در یک مرکز خرید شلوغ توسط دو قاتل اغفال و از مادرش جدا و به خاک‌ریزی در راه آهنی م‌روک برده و در آنجا کشته شد. این جنایت به نحوی وصف ناپذیر بی‌رحمانه بود. تصور اینکه فردی چنان زخمی عمیق باشد که چنین سرنوشتی را برای کودک کوچک بی‌گناهی رقم بزند، از قوه‌ی ادراک خارج است. این امر را متحیر می‌کند این است که قاتلان تنها ۱۰ سال سن داشتند. نه گذر زمان و نه حکم مجرمیت آن‌ها در دادگاه و سپس توصیه‌ی مایکل هوارد، وزیر کشور، مبنی بر محکومیت آن دو نفر به پانزده سال حبس نتوانست به کم رنگ شدن حس عدم اطمینان هولناک و پریشانی عمومی که بیش از یکسال پس از این واقعه‌ی «کمان دهنده» ادامه داشت، منجر شود. با اشاره به اینکه این جنایت نه تنها نگران‌کننده بلکه، در راسع، باورنکردنی بود. باور نکردنی بود چون در فضای ذهنی دوران کودکی روی داده بود که، تا پیش از این، اتفاق، در مورد اکثر کودکان به دلیل معصومیت شان، مقدس شمرده می‌شد. در اصل، آنچه در سال ۱۹۹۳ افکار عمومی بریتانیا دریافته بود، از این قرار بود که کودکی دیگر با قصه‌ای با آغاز «یکی بود، یکی نبود» و پایانی خوش و قابل پیش‌بینی مواجه نمی‌شود.

با همه‌ی این احوال، باید روی دو موضوع مرتبط تمرکز کرد اولاً ماهیت «کودک» چیست و ثانیاً، محدوده‌های ظرفیت و توانایی «کودک» کجاست؟ اینکه این پرسش‌ها

درباره‌ی کودکی نه هیچ کدام بدیع‌اند و نه نامعلوم، خود جای نگرانی دارد زیرا این پرسش‌ها زمینه‌ی ساختار اجتماعی ماهیت کودکی را تشکیل می‌دهند.

مفاهیم مرسوم کودکی

اکنون نگرش خاص کودکی متداول و جدی است که هم از لحاظ تاریخی و هم از نظر فرهنگی ویژه است. آریه (۱۹۶۲)، تاریخ نگار فرانسوی، از نخستین کسانی بود که نشان داد با وجودی که کودکان در تمام فرهنگ‌ها حضور دارند، به حضورشان به گونه‌ای متفاوت نگریسته شده و هنوز هم می‌شود.^۱ واقعیت‌های زیست شناختی طفولیت چیزی جز مواد خامی نیستند که فرهنگ‌ها بر پایه‌ی آنها روایتی خاص از «کودک بودن» را شکل می‌دهند. آریه، بابی کاملاً جدیدی را گشود - مطالعه خانواده به عنوان ترکیبی تاریخی، به جای یک قالب ثابت زیست شناختی در بستر تاریخ. آریه پی برد که در اواسط قرن هجدهم بزرگسالان به فکر کردن در خصوص خودشان به عنوان موجوداتی کاملاً متفاوت از کودکانشان دست زدند. کودک دیگر بزرگسال کوچکی تلقی نمی‌شد. کودکی، مرحله‌ای ویژه و آسیب پذیر تصور می‌شد. شواهدی که «آریه» از آنها بهره می‌گیرد عمدتاً مطالب ثبت شده‌ی مربوط به خانواده‌های شهرنشین متعلق به طبقات متوسط و بالای جامعه هستند. برای این کار دلیل وجود دارد، همین بیان مراحل حیات به مردم کمک می‌کرد مرزهای زندگی عمومی خود را مشخص کنند. آنچه در مراکز جهان شمول رخ می‌داد از این قرار بود که آدم‌های بالغ ساکن در این مراکز در مورد زندگی عمومی با تمام پیچیدگی‌ها، نموده‌ها و بالاتر از همه، برخوردهای روزمره با بیگانگان، به عنوان زندگی‌ای که تنها بزرگسالان از قدرت تحمل آن برخوردار بوده و آن بهره‌مند می‌شوند، شروع به تفکر کردند. اما اخیراً توجه شمار روزافزونی از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان به ناهنجاری‌های موجود بین تجربه شخصی کودکان از کودک بودن و قالبی‌هایی که کودکی به خود می‌گیرد، معطوف شده است. این موضوع به عمیق‌تر شدن تمرکز نظری و وی تکثر انواع کودکی انجامید، تکثری که نه تنها به صورت میان فرهنگی بارز بلکه درین فرهنگ‌ها هم مشاهده شد. گفته می‌شود که، دست کم، تجربه‌ی کودکی بنا بر وضعیت طبقاتی سن و سال، جنسیت، و قومیت، مطابق مواضع شهری و روستایی مطابق جزئیات هویتی در مورد کودکان معلول یا بیمار قطعه و طبقه بندی می‌شود. اما علی‌رغم این تجربیات گونه‌گون اجتماعی، کودکان خودشان در کمند وجه اشتراک اجباری یک گفتمان ایدئولوژیک کودکی گرفتار می‌مانند. مثلاً تحصیلات اجباری دسترسی آنها را به فضای اجتماعی، و

۱. کریس جنکس، ۱۳۸۸، دوران کودکی، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: نشر اختران

ممنوعیت‌های حکومت بزرگسالان مشارکت سیاسی، فعالیت جنسی، سرگرمی و میزان مصرف آنها را محدود می‌کند. کودکان نه تنها تحت فشار قوانین جامعه‌پذیری صریحی قرار دارند که در جهت برقراری کنترل‌هایی بر رفتار و اعمال محدودیت‌هایی در بیان نیت منحصر به فرد آنها عمل می‌کند، بلکه رفتار عادی و مرسوم که، از طریق نهاد کودکی، حقوق و وظایف مربوط به «کودک بودن» را ابراز دارند، نیز آنها را تحت محدودیت قرار می‌دهد. در نزد کودکان این وظایف و حقوق هنوز هم عمدتاً در خارج از حیطه‌ی معصومیت هستند. کودک معاصر تحت فشار بی‌منازع نظریه‌ی متخصصان اطفال و روان شناسی رشد کودک، اساساً کماکان تجربه‌ای نیازمند حمایت به شمار می‌آید. به قول «انیو»، کودکان که تحت اجبار بزرگسالان محکوم به شاد بودن هستند «در عین برخورداری حقوق حمایتی و آموزشی، به نظر بدون مسئولیت می‌آیند، اما از استقلال بی‌بهره‌اند». هر چند که این ویژگی‌های رفتاری آرمانی از موقعیت مکانی - زمانی خاصی ناشی شده‌اند، اما هم‌اکنون برای تمام کودکان مناسب دانسته شده‌اند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی مباحث ناشی از رفتار کودکانی که مرتکب جرایم شدید می‌شوند، اولاً مفهومی نظری و ثانیاً تجربی‌اند. اما این دو جنبه پیوند تنگاتنگی دارند، زیرا واضح است که راه و رسم اندیشیدن درباره‌ی کودکان و تصورمان از کودکی خود کودکان حاوی پیامدهای عملی است. اگر کسی به سازه‌ای اجتماعی است که هم شکل و هم محتوای تجارب کودکان را فراهم می‌آورد. در این صورت، راه‌هایی که بین کودکان، ارتباط برقرار می‌کنند و راه‌های برقراری آنها با زندگی روزمره، ناگزیر، در چهارچوب ساختاری مفهومی‌اند که از قبل پیش بینی می‌شود. به طور خلاصه، کودکان، به علت هوشمندی‌شان، در وابستگی به قراردادهای اجتماعی محبوس و قفل می‌شوند. سرشت قابل بحث این قراردادهای اجتماعی موضوع قدرت به شمار می‌آید. که کودکان فقط می‌توانند آن را به صورت محدودی تجربه کنند. آنان می‌توانند خواهان بوجی شوند اما نمی‌توانند تعریف مجدد خود را تقاضا کنند. پس «کودک» چگونه تعریف می‌شود و پاسخ و واکنش کودک به این تعریف چیست؟

کندوکاو در ایده‌هایی که به «کودک» مدرن می‌انجامد، تعهدی قدرتمند و پیوسته به مفاهیم معصومیت کودکی را بروز می‌دهد. اولاً به پیروی از آرای روسو، به کودکان به اتکای ماهیت خاصشان، پاکدامنی و پاکی اعطا می‌شود. آنان فطرت آرمانی پیام‌آوران خرد

دانسته می‌شوند. این تجربه‌ی جامعه است که آنها را همراه می‌کند. فرض بر این است که چنانچه کودک به تدبیر خود رها شود، بنا به ماهیت خود، بی‌گناه می‌ماند، سرچشمه‌ی وعده‌ی دوم در ارتباط با معصومیت کودکی است: کودکان نه ذاتاً، بلکه مانند آدم‌های کله‌پوک و احمق، به عنوان پیامد و حاصل فقدان تجربه‌ی اجتماعی‌شان معصوم پنداشته می‌شوند. کودک ناگاه، بی‌تجربه و خام را در طول زمان، جامعه به همراهی و تباهی می‌کشاند. با وجودی که این دریافت‌ها از منش و تکوین اخلاقی کودک در قرن هجدهم تدوین شده، کماکان تأثیر قدرتمند و مجاب‌کننده‌ی خود را بر تخیل همگانی حفظ کرده و در قالب چهره‌های مختلف و با پیامدهای گوناگون برای خود کودکان دوباره ظاهر شده است. مثلاً بحث فروید درباره‌ی تمایلات جنسی کودکی (فروید، ۱۹۴۹) به بروز هیاهو و خشم شدید در همان ایام و دو دهه سوء استفاده به خاطر توسل مجدد به «گناه نخستین» در قالبی زیست‌شناختی (الیدیوی) انجامید. به همین ترتیب، صدای اعتراض اصلاح‌گران اجتماعی قرن نوزدهم، نه‌هندریک (۱۹۹۰) درباره‌ی آن بحث کرده، به تناوب، علاقه به نجات کودک آسیب‌پذیر را در او داشته و کارخانه‌ها و کارهای تولیدی و اشتیاق به حفظ معصومیت کودکی در نزد تمامی کودکان را، که تصور می‌شد در معرض تهدید بزهکاری نوجوانان طبقه‌ی کارگر قرار دارند، شد و فاش می‌سازد.

کیتزینگر (۱۹۹۵) نیز نشان می‌دهد که چگونه سرشت آسیب‌نپذیر و لکه‌دار نشده‌ی کودکی اخیراً به صورت‌های گوناگون در بحث‌های مربوط به آزار جنسی کودک به کار گرفته شده، و استدلال می‌کند که چنین تصانیری در نزد خود کودکان مفهومی دوپهلوست. به رغم اختلاف‌ها در توصیف حالت و تجربه‌ی کودکی، و هدف و نیت استفاده از توصیف آن در طول زمان، مضمون بی‌گناهی کماکان در برندی، تنگاتنگ با «کودک» باقی مانده است. یافتن مضمون دیگری در دنیای مدرن که در چهارچوب چنین نگرش‌های کهنه و قدیمی معلق مانده باشد دشوار است. با همه‌ی این‌ها، این توصیف‌ها کماکان به حیات خود ادامه می‌دهند. جان کلام اینکه، گفتمان غالب مدرن در حیطه‌ی کودکی کماکان «کودک» را ذاتاً معصوم می‌داند و هویت فرهنگی او را مفعول و وابسته، و بنابراین، عضوی از گروه اجتماعی کاملاً بی‌قدرت که به دلایل نیکخواهانه از او سلب شده می‌بیند. این نگاه به کودکان به عنوان موجوداتی برخوردار از منش ممتاز و ویژه، که هم معصوم و هم به نحوی آسیب‌پذیر وابسته است، همان چیزی است که هر گونه پیوندی بین کودکان و جرم و جنایت‌خشن را مشکل‌ساز می‌کند. تصورات و صورت ذهنی کودکی و صورت ذهنی بزهکاری و تبهکاری خشن از لحاظ شمایل‌شناسی ناسازگارند. این نگرش «گناه نخستین» حضرت آدم مدلی از کودکی است که قبلاً تحت عنوان

«دیونوسوسی» تدوین شد و به صورت تصویر بالقوه‌ی مشتاق و بدون قید و اجباری تشریح شد که همواره رویه‌ی تاریک یا پشت صحنه‌ی خاموش را برای تصاویر معاصر و غالب ما از معصومیت فراهم آورده‌اند. قرن بیستم در قالب توانایی نهاد فرویدی و، پس از آن، در قالب مناقشه‌های مربوط به آزار جنسی کودک به هیجان آمد. یک چهارچوب آزاداندیش‌تر و تفسیرگرانه ادعا کرده است که کودکان قاتل صرفاً بی‌هنجارند.

برخی نتایج از این قرارند: پیامد واکنش به «گناه نخستین» و یا «مورد بی‌هنجار» بیشتر نوعی نوسازی است تا بازاندیشی ریشه نگر نسبت به نگرش‌هایمان به کودکان از راه تغییر و تقویت مرزهای مفهومی کودکی، به طوری که کودکانی را که از محدوده‌های چیزی به نام کودک در می‌گذرند، به عنوان موارد آسیب شناختی یا ویژه، مستثنا کنند و کنار گذارند. این امر در نزد خود کودکان به امکان کنترل بیشتر فعالیت‌هایشان از طریق پی جویی قالب‌های مرزی، کنترل و یا، شاید تلویحی‌تر و احتمالاً سرکوب‌گرانه‌تر، فراخوان تأکید مجدد بر مفهومی از «کودک بهنجار» منجر می‌شود. چنین واکنشی ناظر بر زمینه‌های اخلاقی است نه زیست بلکه امروزه حل مسئله را از طریق توسل به نظارت بیشتر به جای تفاهم، به تأخیر می‌اندازد.

اینکه کودکان قادر به انجام خشونت، تجاوز به عنف، سرقت همراه با خشونت و حتی جنایت هستند، ایده‌ای است که آن‌ها را در خارج از مرزهای فرمول‌بندی سنتی کودکی قرار می‌گیرد. مسئله‌ی مطرح شده در اینجا انواع مسائل طبقه‌بندی است. کودکانی که دست به چنین کارهای خشونت‌باری می‌زنند معمای را طرح می‌کنند زیرا تقابل دو جانبه‌ی سنتی بین مقوله‌های «کودک» و «بزرگسال» را بر هم می‌زنند، تقابلی که قبلاً از طریق شرح و تفسیر عجیب و غریب زمینه‌ی اخلاقی، که پیشتر از آن یاد کردیم، به رسمیت شناخته شده و به استناد آن، معصومیت عیار «کودک» است را دانش تباه‌کننده‌ی «بزرگسال» به شمار می‌آید. این مقوله‌ها، زمانی که با واقعیت ناآوار، برخورد می‌کنند، به طرز غیر قابل باوری، تیره و تار شدند. مرزهای مفهومی که زمانی کرب را، از طریق «هست» یا «باید» در بر می‌گرفت، به تمامی غیرقابل دفاع شدند. تلاش‌های همگانی در جهت آرام‌سازی علیرغم این سردرگمی بالقوه خطرناک به شیوه‌های متفاوتی هدایت شدند. یکی از رویکردها، خلغ‌ی‌د مفهومی بود: کودکانی که اعمال خشونت‌بار انجام می‌دهند باید به کلی از مقوله‌ی «کودک» کنار گذاشته شوند. این گونه طرد، اعاده‌ی نظم اخلاقی کهن را تسهیل و گفتمان کودکی را در قالب ایدئولوژیک سنتی آن دوباره برقرار می‌کند. پژوهش‌های انسان شناختی در خصوص طبقه‌بندی اجتماعی، ما را قادر می‌سازد چنین واکنشی را ناشی از مردمانی بدانیم که جهان‌شناسی آنان در معرض تهدید

است. همان گونه که «داگلاس» نشان داده است، شناسایی بی هنجاری‌ها، چه در شکل گیاهان و یا در قالب جانوران، کاملاً در استقرار نظم اجتماعی ادغام می‌شود: «شخص آلاینده و فاسد کننده همیشه مقصر است. او در شرایط نامطلوبی پرورش یافته و یا صرفاً از برخی مرزهای ممنوع عبور کرده است و «این جابه جایی برای دیگران خطرآفرین است»^۱. بی هنجاری‌ها، در اصل، نتایج فرعی سیستم‌های نظم بخش‌اند. آنها، از قضای روزگار از طریق تفاوت‌های بارزشان، در راه تقویت مرزهایی گام بر می‌دارند که شکل و ذات را به مقوله‌هایی مفهوم می‌بخشند که از آنها ناشی شده‌اند. برای کنترل کردن یا واداشتن انسان‌ها به اقدام فی نفسه قوی است. هر تجربه انسانی از ساختارها، حاشیه‌ها، یا مرزها برای نماد ای جامعه در دسترس است.^۲ از این بابت، با امتناع از پذیرفتن کودکانی که دست به خشونت می‌زنند در مقوله‌ی کودک، عامه‌ی مردم برای خود، بر مفهوم کودکان (و به موجب آن نیز بر تعهدش به یک نظم اجتماعی «مشترک» مجدداً تأکید می‌کرد. یعنی، این راه برای بازگرداندن تصویر اولیه‌ی معصومیت ذاتی کودکان از طریق انتقال دادن برخی کودکان (آن‌ها که دست به خشونت می‌زنند) به مقوله‌ی دیگری بود که از طریق تصاویر شیطان و از طریق آسیب شناسی ضروری دانسته می‌شد. به این ترتیب، داغ بی هنجاری غیر متعارف بودن در جست توضیح این مطلب است که چگونه برخی کودکان قادر به انجام کارهایی‌اند که «عادی» نمی‌توانند انجام دهند.

شرح و وصف‌های گوناگون درباره‌ی چگونگی امکان دست زدن کودک به بزهکاری همانطور که گفته شد یافت می‌شود. به این ترتیب، بیشتر در جست وجوی راه حل، تا یافتن توضیحی برای مسئله‌ی مفهومی کودکان با رفتار خلاف کودکان پیش آوردند، گستره وسیع افکار عمومی پرسش‌های هر چارچوبی درباره‌ی کودکی مطرح می‌شود. طیف دیدگاه‌ها درباره‌ی نیاز کودکان از واکنش‌های شدیدی تا پاسخ آزادمنشانه را در بر می‌گرفت.

۱. هالوگ، یاووزار، ناسازگاری و بزهکاری در کودکان. ۱۳۹۵ ترجمه قدیر گلکاریان. تهران: ققنوس

۲. کریس جنکس، ۱۳۸۸. دوران کودکی، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: نشر اختران و همچنین بنگرید به: پیتیر استیرنس، ۱۳۸۸. دوران کودکی در تاریخ جهان، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: انتشارات اختران